

## بررسی تأثیرپذیری نظامی از بارقه‌های عرفانی منظومه ویس و رامین

نوشین بهرامی احمدی

دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران  
[bahraminooshin26@gmail.com](mailto:bahraminooshin26@gmail.com)

دکتر هوشمند اسفندیارپور ( نویسنده مسئول)

استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران  
[hooshmandesfandyarpour@gmail.com](mailto:hooshmandesfandyarpour@gmail.com)

دکتر مریم شایگان

استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران  
[Maryamshaygan46@yahoo.com](mailto:Maryamshaygan46@yahoo.com)

### چکیده

ادبیات فارسی، یکی از غنی‌ترین و متنوع‌ترین ادبیات‌های جهان است که در آن عرفان و عشق جایگاه ویژه‌ای دارند. این ادبیات به مرور زمان به تبلور عرفانی خود دست یافته و شاعران بزرگی همچون نظامی گنجوی و فخرالدین اسعد گرگانی به تعمیق و گسترده‌گی این مباحث پرداخته‌اند. این مقاله، با روش توصیفی - تحلیل به بررسی بارقه‌های عرفان اسلامی در اشعار نظامی و منظومه ویس و رامین گرگانی پرداخته و تأثیرپذیری نظامی از این اثر کلاسیک در مباحث عرفانی را مورد بررسی قرار خواهد داد. به این ترتیب، هدف پژوهش، بررسی تأثیرپذیری نظامی از مضامین و

مؤلفه‌های عرفانی منظومه ویس و رامین است. از نتایج پژوهش، می‌توان به این اشاره کرد که منظومه ویس و رامین به عنوان یکی از آثار ادبی و تاریخی برجسته ایران، دارای عناصر فراوانی از عشق، عرفان و اسطوره‌شناسی است که تأثیرگذاری قابل توجهی بر ادبیات و فرهنگ ایرانی داشته است. نظامی، با بهره‌گیری از عناصر و مؤلفه‌های عرفانی در ویس و رامین، به خلق آثاری پرداخته است که نمایانگر عمق تفکر و اندیشه عرفانی اوست. این تأثیرپذیری نشان‌دهنده ارتباط و پیوستگی عمیق بین آثار بزرگ ادبیات فارسی و تداوم و تکامل مباحث عرفانی در طول زمان است. واژگان کلیدی: عرفان، تأثیرپذیری، نظامی، ویس و رامین.

سرگذشت و حیات و تاریخ پر فراز و نشیب ایران در دوره های مختلف باعث شکل گرفتن فرهنگ و ادبیاتی پر بار و غنی و زیبا شده است. حتی با نگاهی کوتاه و گذرا به آثار فرهنگی و ادبی فارسی می توان دریافت که این گنجینه بزرگ تا چه حد، انسان را به شناختی درست و معرفتی حقیقی رهنمون می سازد. «مجموعه ادبیات فارسی سرشار است از مضامین پربار و غنی و مهم و قابل توجه، حکایات دل انگیز، داستان های پند آموز، سخنان شیرین عالمان و شاعران و عارفان در زمینه های مختلف اعم از عشق و عرفان و معرفت حقیقی فداکاری ها و از خود گذشتگی ها که بی شک اعماق وجود هر انسانی را تحت تأثیر قرار می دهد. آمیختگی زبان و ادبیات کهن فارسی با افکار و اندیشه های بزرگ دینی و عرفانی با ظهور اسلام رنگ و جلایی تازه تر یافت و تأثیر آن را دو چندان کرد» (خان محمدی، ۱۳۹۴: ۱۵).

نظامی گنجوی، شاعر بزرگ قرن ششم هجری قمری، یکی از برجسته ترین نمایندگان مکتب عرفانی در ادبیات فارسی است. اشعار وی، به ویژه پنج گنج (خمسه)، نمایانگر عمق تفکر عرفانی اوست. (صفا، ۱۳۷۴: ۲۱۹) او در آثار خود به مفاهیم والای عشق، معرفت و سلوک عرفانی پرداخته و توانسته است از طریق زبان شعر به بیان این مفاهیم بپردازد. منظومه های او همچون «لیلی و مجنون»، «خسرو و شیرین» و «هفت پیکر» هر کدام به نوعی نمایانگر این تفکر هستند.

داستان ویس و رامین یکی از کهن ترین رمان های عاشقانه ادب فارسی و «مربوط به دوره سلسله اشکانی در ایران قبل از اسلام است. فخرالدین اسعد گرگانی، این داستان را در قرن پنجم به دستور طغرل بیگ سلجوقی از زبان پهلوی به فارسی ترجمه کرد و سپس به نظم درآورد» (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۷۴). منظومه ویس و رامین در عین سادگی در بر دارنده زیباترین اوصاف از عواطف و احساسات عاشق و معشوق و به هم در آمیختن ماهرانه اوصاف مجالس بزم و میادین رزم است. این اثر بخشی از اعتقادات، باورها و دیدگاه های دوره اشکانی را در بر دارد. از آن جا که این منظومه در دوره اسلامی به نظم در آمده و هم چنین شاعر آن مسلمان بوده است، علاوه بر تفکرات

و باورهای عهد اشکانی تا حدودی دربردارنده و تأثیر پذیرفته از معارف و اندیشه‌ها و عرفان اسلامی است این منظومه به دلیل سبک و سیاق خاص خود و پرداختن به مباحث عرفانی و عاشقانه، تأثیر بسزایی بر شاعران و آثار بعدی داشته است. داستان ویس و رامین، با توجه به عناصر عرفانی و فلسفی که در آن نهفته است، همواره مورد توجه محققان و علاقمندان به ادبیات عرفانی بوده است.

نظامی گنجوی به عنوان یکی از شاعران تأثیرپذیر از ویس و رامین، در آثار خود از این منظومه بهره برده و به تعمیق و بسط مفاهیم عرفانی پرداخته است. در این مقاله، به بررسی مؤلفه‌های عرفانی که نظامی از ویس و رامین تأثیر گرفته و به کار برده است، خواهیم پرداخت این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی چگونگی تأثیر بارقه‌های عرفانی منظومه ویس و رامین بر اشعار و منظومه‌های نظامی می‌پردازد. و به این پرسش پاسخ می‌دهد: مهمترین مضامین و مؤلفه‌های عرفانی اشعار نظامی که از منظومه ویس و رامین تأثیر پذیرفته است، چیست؟

به دلیل میراث ارزشمندی که در منظومه ویس و رامین و آثار نظامی وجود دارد، مورد توجه پژوهشگران بوده و مطالعات تطبیقی انجام شده است. از جمله:

افتخاری روزبهانی و همکاران (۱۴۰۰). تحلیل تطبیقی شرم در دو منظومه ویس و رامین و خسرو و شیرین. مطالعات ادبیات تطبیقی (ادبیات تطبیقی)، شماره ۶۰.

اقبال و قمری گیوی (۱۳۸۳). بررسی روان شناختی سه منظومه غنایی فارسی (خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و ویس و رامین). پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲.

نجفی بهزادی (۱۳۹۹). بازنویسی خلاق یا ساده؟ (بررسی داستان‌های بازنویسی شده ویس و رامین، خسرو و شیرین و لیلی و مجنون). کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی (کاوش نامه)، شماره ۴۶.

زارعی فرد و همکاران (۱۳۹۸). بررسی بازنمود واژه‌های زنانه در دو منظومه ی «ویس و رامین» و «خسرو و شیرین» از منظر زبان و جنسیت. پژوهشنامه ادب غنایی (زبان و ادبیات فارسی)، شماره ۳۳.

هوشمند (۱۳۸۷). مطالعه اولین دیدار در ادبیات فارسی: بیژن و منیژه، ویس و رامین، لیلی و مجنون. قلم، شماره ۸.

پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نشان داده‌اند که با وجود توجه به منظومه ویس و رامین و آثار نظامی، اما تاکنون، پژوهش تطبیقی پیرامون عرفان اسلامی در این آثار، انجام نشده است. این پژوهش به بررسی جامع تأثیرپذیری نظامی از بارقه‌های عرفانی در منظومه ویس و رامین می‌پردازد و این تحلیل را با تأکید بر عناصر ادبی و فرهنگی آنها تازگی می‌بخشد.

## ۲- مبانی نظری پژوهش

### ۲-۱ عرفان اسلامی

عرفان اسلامی از شریعت اسلام سرچشمه می‌گیرد و «هدف غایی و نهایی آن نفوذ در مغز و اعماق مفاهیم جهان شمول دین و رسیدن به معنی و مقصود نهایی انبیاء می باشد که عبارت است از ساختن انسان والای متعهد و مسئول و متقی عاری از تعصبات جاهلانه و بی اساس و حب و بغض های پلیدی که حاصلی جز صدمه و خسران ندارد.» (زمانی، ۱۳۷۲: ۹۲/۱) «هدف متخلق شدن به اخلاق الله و گرفتن خوی فرشتگان و عشق به معبود و معشوق ازلی و ابدی و همه مخلوق جهان هستی است که آفریده اویند صرف نظر از رنگ و نژاد و باورها و اعتقادات آنها.» (سجادی، ۱۳۷۵: ۱۲۹)

ادب عرفان به عنوان یکی از جوانه‌های فکری و معرفتی در اسلام، بر روی ارتباط فردی با خدا تأکید دارد و بر پایه‌ی تجربه‌های مستقیم و شخصی در تلاش برای فهم نیازهای روحی و معنوی

انسان استوار است. این مکتب، پرورش یافته از آرای انبیا و اولیای الهی، توجه زیادی به مسائل مربوط به وحدت و وحدانیت، و معرفت انسان با خدا دارد و بر تجربه شخصی و عملی مؤکد است.

## ۲-۲ منظومه ویس و رامین

منظومه ویس و رامین اثری است ادبی و اسطوره‌ای که در دوره‌ی اسلامی نوشته شده است. این منظومه اسعد گرگانی را سروده است. «فخرالدین اسعد گرگانی شاعر داستانگوی ایرانی نیمه نخست سده پنجم هجری است. ولادت او در آغاز قرن پنجم هجری در گرگان و چنانچه پسوند وی نشان می‌دهد اهل گرگان بوده است. وفات فخرالدین اسعد بعد از سال ۴۴۶ و گویا در اواخر عهد طغرل سلجوقی اتفاق افتاده است.» (بابا صفری، ۱۳۹۲: ۵۹۳) اسعد گرگانی این منظومه را «به خواهش ابوالفتح مظفر نیشابوری حاکم اصفهان در ۹۰۱۲ بیت به نظم درآورد و آن را در بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن یا فعولن) منظوم ساخته است.» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۲۹)

داستان منظومه ویس و رامین سروده فخرالدین اسعد گرگانی را بعضی به دوره ساسانی نسبت داده‌اند. این داستان خصومت دو خاندان پارتی یکی شرق و دیگری از غرب با یکدیگر است. البته وجود قلمروهای کوچک و سوابق فئودالی موجود از نظر زمانی، نسبت داستان را به دوره پارت‌ها بیشتر می‌کند. طرح قصه، با مبارزه عشق و شرف میان دو خانواده حاکم از خاندان قارن است در این داستان پایگاه قدرت آن‌ها، شهر باستانی همدان در قلمرو ماد است. طرف مقابل آن‌ها موبد منیکان، پادشاه مرو است. (کریتس، ۱۳۹۷: ۷۸)

منظومه ویس و رامین اگر چه تنها منظومه فخرالدین اسعد گرگانی است اما از بسیاری از جهات بی‌همتا و درخور نگرش است. او در سرودن این داستان مهارتی فوق‌العاده از خود نشان

داده است. کتاب را با زبانی ساده اما استوار آمیخته با زیبایی های طبیعی شعرو با تأثیر از ضرب‌المثل‌ها، عقاید عامه، رسوم، افسانه‌ها و مطالبی از این دست به نظم در آورده است.

## ۲-۳ معرفی و جایگاه ادبی نظامی

حکیم جمال‌الدین ابو حمد الیاس بن یوسف نظامی گنجه‌ای (گنجوی) از استادان بزرگ سخن و از ارکان شعر فارسی است. «محل تولد او را همه تذکره نویسان گنجه دانسته اند. نظامی در سال ۵۱۹ق، در گنجه متولد شد و در سال ۶۰۲ از دنیا رفت» (صفا؛ ۱۳۷۴: ۳۱۵).

با آنکه نظامی افسانه ساز و داستان پرداز است و خسرو و شیرین و لیلی و مجنون او، عشق آتشین مادی را بیان می‌کند، با مهارت در همه موارد، عشق پاک را ستایش کرده و عفت و پاکدامنی را به سر حد کمال ستوده و بی‌عفتی را نکوهش کرده است. «نظامی روح داستانی را که موضوع شعرش بوده را درک می‌کرده و به علاوه چنان در آن غرق شده و احساس و تخیل و اندیشه وی با تار و پود داستان درآمیخته است که صداقت و اصالتی بارز از شعر او می‌تراود. به عبارت دیگر، گویی همه احوال اشخاص داستان و فراز و نشیب حیات آنان و برخوردها و حوادث ناشی از آن را خود لمس و تجربه کرده و به قلم آورده است. به خصوص در داستان پردازی که اشخاص گوناگون با عواطف و افکار متفاوتی مطرح هستند و موضوع مستلزم شرح جنبه‌های مختلف زندگی است» (یوسفی، ۱۳۸۳: ۱۷۰).

نظامی یکی از شاعران برجسته ادبیات فارسی در دوره اسلامی است که به ویژه با منظومه‌هایش شناخته شده است. او به شیوه‌ی خود، مفاهیم عرفانی و اسطوره‌ای را در آثار خود به تصویر کشیده و از این طریق به نحوی بر جریان ادبی زمان خود تأثیر گذاشته است. نظامی به عنوان یکی از نخبگان ادبیات فارسی، توانسته است آثاری با ارزش و میراثی ماندگار را برای فرهنگ ایرانی به ارمغان بیاورد.

### ۳- بررسی مضامین عرفانی در اشعار نظامی

افکار و اندیشه‌های نظامی، همچون شخصیت او، بسیار قابل توجه و دارای نکاتی مهم است. نظامی از دو نوع اندیشه در انتهای قرن ششم تأثیر گرفته است: یکی اندیشه‌های عرفانی و دیگری اندیشه‌ای که قدری حکمت یونانی و فلسفه را دنبال می‌کند. شخصیت نظامی، یک شخصیت مرکب و تلفیقی است. او صادق، پارسا منش و گوشه‌نشین است و در عین حال به فرهنگ علاقه‌مند و یک مسلمان معتقد به قهرمان‌های ایرانی است؛ پایبند و علاقه‌مند به شاهنامه و حماسه‌های گذشته ایران. در عین حال، یک شخصیت دوگانه در نظامی نمودار است؛ هم زاهد منش و هم حُسن دوست. نظامی خود می‌گوید که هیچ‌وقت لب به شراب نزده است، در حالی که در آن زمان در بین عده‌ای نوشیدن شراب رایج بود و گروهی به میگساری می‌پرداختند. نظامی در همه نصیحت‌هایی که به فرزندش دارد یا مسائلی که در مخزن‌الاسرار پیش آورده، روح عارفانه خود را نشان می‌دهد» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۳: ۴۴-۴۶).

نظامی در سیر طبیعی داستان خسرو و شیرین هر گاه امکانات اجازه دهد نظریات اخلاقی و حکمت خویش را بیان می‌دارد از مجموع سخنان نظامی این طور بر می‌آید که جهان و نظام هستی بر مبنای اصولی منظم آفریده شده است و همه چیز دارای حساب و کتاب است. (ثروت، ۱۳۷۰: ۷۰)

شعر نظامی گنجوی مملو از مضامین و مولفه‌های عرفانی است که هر یک به نوعی به تبیین و ترویج آموزه‌های معنوی و اخلاقی می‌پردازند. عشق الهی، توحید، فنا فی الله، مراقبه و تزکیه نفس، و زهد و پارسایی از جمله مهمترین این مضامین هستند که نظامی با استفاده از زبان شعری زیبا و پرمغز خود به آن‌ها پرداخته است.

نظامی به خداوند به عنوان مبدع و آفریدگار وجود اشاره می‌کند و می‌گوید:

هستی و نیست مثل و ماندند      عاقلان جز چنین ندانند

(نظامی، ۱۳۹۱: ۲۷۳)



این بیان نشان می‌دهد که خداوند به تنهایی موجود است و هیچ موجود دیگری مثل او نیست. این تفکر عرفانی در اسلام به توحید یا وحدت وجود اشاره دارد که خداوند به تنهایی موجود است و همه چیز از او است. شعر نظامی به تفصیل بیان می‌کند که همه موجودات و هستی‌ها به خداوند بستگی دارند و از او می‌روند. به عنوان مثال:

هست بود همه درست به تو بازگشت همه به توست، به تو

(همان)

این بیان نشان می‌دهد که خداوند مرجع اصلی وجود است و همه موجودات به سوی او بازمی‌گردند. این مفهوم در عرفان اسلامی به وجودشناسی و وابستگی مطلق موجودات به خداوند اشاره دارد.

این دو مضمون عرفانی در شعر نظامی، علاوه بر زیبایی‌های ادبی، نشان دهنده عمق فرهنگ و اعتقادات او به خداوند و عرفان اسلامی هستند. این شعر به وضوح نشان می‌دهد که نظامی گنجوی چگونه اصول مهم دینی و عرفانی را در قالب شعر خود بیان و بازتاب داده است. در منظومه لیلی و مجنون شکواییه‌هایی به چشم می‌خورد که نمونه‌ای از آن در زیر می‌آید. در این جا مجنون به شکایت از زمانه و روزگاری پردازد:

روزی دو به دو نشسته بودند	شادی و نشاط می نمودند
مجنون ز شکایت زمانه	بیتی دو سه گفت عاشقانه
کای فارغ از آه دردناکم	بر باد فریب داده خاکم
صد وعده مهر داده پیشی	با نیم وفا نکرده خویشی
پذرفته که پشت اورم نوش	پذرفته خود شدت فراموش
آورده مرا به دل فریبی	واداده به دست ناشکیبی
دادیم زبان به مهر و پیوند	وامروز همان کنی زبان بند

(نظامی، ۱۳۹۱: ۱۲۷)

در این شعر از نظامی گنجوی، مفاهیم عرفانی و انسانی برجسته‌ای وجود دارد. با نگاهی دقیق‌تر به ابیات، می‌توان مضامین زیر را استخراج و تحلیل کرد:

### ۱. شکایت از ناپایداری دنیا

نظامی با بیان اینکه بر باد فریب داده خاکم، به ناپایداری و فریبندگی دنیا اشاره می‌کند. در عرفان اسلامی، دنیا به عنوان سرایی فانی و مملو از فریب دیده می‌شود که نباید دل به آن بست.

### ۲. انتقاد از بی‌وفایی و خیانت

صد وعده مهر داده پیشی / با نیم وفا نکرده خویشی نشان‌دهنده بی‌وفایی و خیانت انسان‌هاست. این مفهوم در عرفان به این اشاره دارد که انسان‌ها نباید به تعلقات دنیوی و وعده‌های انسان‌های دیگر اعتماد کامل داشته باشند و باید تمرکز خود را بر ارتباط با خداوند بگذارند.

### ۳. سرزنش خود برای اعتماد به دنیا

پذیرفته که پشت اورم نوش / پذیرفته خود شدت فراموش بیانگر سرزنش خود برای اعتماد و تکیه بر دنیا و فراموش کردن حقیقت الهی است. در عرفان، این موضوع اهمیت زیادی دارد که انسان باید از خواب غفلت بیدار شده و به سوی حقیقت الهی حرکت کند.

### ۴. انتقال از عشق مجازی به عشق حقیقی

آورده مرا به دل فریبی / واداده به دست ناشکیبی به مفهوم عشق مجازی و فریبی که انسان‌ها را از عشق حقیقی که عشق به خداوند است، دور می‌کند، اشاره دارد. این مسئله در عرفان بسیار مهم است زیرا عشق مجازی می‌تواند سد راه سالک شود.

### ۵. انتقاد از ناهمخوانی بین وعده و عمل

دادیم زبان به مهر و پیوند / وامروز همان کنی زبان بند نشان می‌دهد که وعده‌های داده شده با عمل همراه نبوده‌اند. در عرفان، اهمیت زیادی به صداقت و یکپارچگی بین گفتار و رفتار داده می‌شود. وعده‌های بدون عمل، انسانی را از مسیر حقیقت دور می‌کند.

این مضامین در کنار هم نشان‌دهنده یک نقد عمیق از زندگی دنیوی، فریب‌ها، بی‌وفایی‌ها و عشق‌های مجازی هستند که مانع از رسیدن به حقیقت و عشق حقیقی که همان عشق به خداوند است، می‌شوند. این شعر نه تنها از نظر ادبی زیباست، بلکه از لحاظ عرفانی نیز دارای معانی عمیق و مهمی است.

#### ۴- تأثیرپذیری نظامی از عرفان منظومه ویس و رامین

تأثیرپذیری نظامی، از منظومه ویس و رامین، به‌ویژه در سرودن منظومه‌های عشقانه لیلی و مجنون و خسرو و شیرین، کاملاً مشهود است به نحوی که می‌توان ادعا کرد، نظامی، برای تحریر این دو منظومه، از ویس و رامین، الهام گرفته است، اما، جنبه‌های عرفانی و مؤلفه‌های عرفانی که در اشعار نظامی به چشم می‌آید نیز، گاهی سرچشمه آن، منظومه ویس و رامین است:

#### ۴-۱-۱- مناجات

گفتگو و راز و نیاز با خداوند بزرگ، جزو زیباترین بخش‌های آثار ادبی محسوب می‌شود که بسیار تأثیر گذار، زیبا، دل‌انگیز و پر از شور و احساس است. در بعضی از کتب ذکر شده است که برخی از سوگند نامه‌ها و اشعاری که شاعر در آن به خدا سوگند می‌خورد، از فروع مناجات، است» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۴۲) مناجات و عرفان ارتباطی عمیق و بنیادین با یکدیگر دارند. مناجات، به عنوان یک عمل عبادی، تلاشی است برای نزدیک شدن به خداوند از طریق دعا، ذکر، و گفت‌وگو با او. این عمل، قلب و روح انسان را به سوی خداوند متوجه می‌کند و فرصتی را فراهم می‌آورد تا فرد به تأمل و تفکر درونی بپردازد. از سوی دیگر، عرفان نیز سفری معنوی است که در آن فرد به دنبال شناخت و قرب بیشتر به خداوند است. عارفان از طریق ریاضت، مراقبه، و اعمال عبادی، مانند مناجات، سعی می‌کنند حجاب‌های میان خود و خدا را از میان بردارند و به وحدت وجودی برسند.

در این زمینه، مناجات می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای مهم عرفانی در نظر گرفته شود که به عارف کمک می‌کند تا به حالتی از خلوص و آرامش دست یابد و در نهایت، تجربه‌های عمیق معنوی را تجربه کند. بسیاری از متون عرفانی، سرشار از مناجات‌ها و دعاهایی هستند که توسط عارفان بزرگ نوشته شده‌اند و نشان‌دهنده اهمیت این عمل در سلوک عرفانی است. به طور کلی، مناجات یکی از راه‌های مهم و مؤثر برای تقویت رابطه فرد با خداوند و پیمودن راه‌های معنوی در عرفان است.

در منظومه‌های ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی، مناجات‌های طولانی و بسیار زیبایی شاعران در ابتدای کتاب، دیده می‌شود. به عنوان نمونه فخرالدین اسعد گرگانی در ابتدای منظومه ویس و رامین، مناجات با خداوند را آورده که با این ابیات آغاز شده است:

سپاس و آفرین آن پادشا را	که گیتی را پدید آورد و ما را
بدو زیباست ملک پادشاهی	که هر گز ناید از ملکش جدایی
خدای پاک و بی همتا و بی یار	هم از اندیشه دور و هم ز دیدار
نه بتواند مر او را چشم دیدن	نه اندیشه در او داند رسید
نشاید وصف او گفتن که چون است	که از تشبیه و وصف او برونست

(گرگانی، ۱۳۸۹: ۱۹)

نظامی نیز در ابتدای منظومه‌های خسرو و شیرین و لیلی و مجنون مناجات‌های زیبایی آورده و اشعار خود را به این مناجات‌ها آراسته است که در زیر به نمونه‌هایی از ابیات آغازین آنها اشاره می‌شود. آنچه از این ابیات بر می‌آید، نشان‌دهنده ذوق و تبحر نظامی در سرودن شعر و همچنین به کاربردن ابیات و کلمات زیبا است:

خداوندا در توفیق بگشای	نظامی را ره تحقیق بنمای
دلی ده کو یقینت رابشاید	زبانی کافرینت را سراید

مده نا خوب را بر خاطر م راه  
دروم را به نور خود بر افروز  
به داوودی دلم را تازه گردان

بدار از ناپسندم دست کوتاه  
زبانم را ثنای خود بیاموز  
زبورم را بلند آوازه گردان

(نظامی، ۱۳۸۶: ۱۰۵)

یا در جایی دیگر آورده که:

خدایا چون گل ما را سرشتی  
به ما بر خدمت خود فرض کردی  
چو ما با ضعف خود در بند انیم  
تو با چندین عنایتها که داری  
بدین امید های شاخ در شاخ

وثیقت نامه ای برمانوشتی  
جزای آن به خود بر فرض کردی  
که بگزاریم خدمت تا توانیم  
ضعیفان را کجا ضایع گذاری  
کرم های تو ما را کرد گستاخ

(نظامی، ۱۳۸۶: ۱۱۲)

نظامی در ابتدای لیلی و مجنون نیز به همان شیوه را به کار برده و البته همان طور که از اشعار او پیداست این کار را به بهترین نحو و با زیباترین الفاظ آورده او در ابتدای کتاب این چنین سروده است:

ای نام تو بهترین سر آغاز  
ای کار گشای هر چه هستند  
ای هر چه رمیده آرمیده  
در صنع تو کامد از عدد بیش

بی نام تو نامه کی کنم باز  
نام تو کلید هر چه بستند  
در کن فیکون تو آفریده  
عاجز شده عقل علت اندیش

(نظامی، ۱۳۹۱: ۲۳ تا ۲۶)

اسعد گرگانی با سپاسگزاری و آفرین، خداوند را به عنوان پادشاهی که جهان و انسان را آفریده، ستایش می کند. نظامی نیز با سپاسگزاری و طلب هدایت از خداوند، مناجات خود را آغاز می کند. در منظومه ویس و رامین، به توحید و بی‌همتایی خداوند اشاره می شود که از هرگونه تشبیه و

توصیف انسانی فراتر است. نظامی نیز به توحید و یکتایی خداوند اشاره می‌کند و نام او را بهترین سرآغاز می‌داند.

گرگانی به عدم توانایی انسان در دیدن و درک کامل خداوند اشاره می‌کند. نظامی نیز به عظمت صنع خداوند و عجز عقل انسانی در درک کامل آن اشاره می‌کند. از حیث اسلوب، زبان منظومه ویس و رامین در مناجات‌هایش ساده و روان است، به گونه‌ای که مخاطب به راحتی می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند. نظامی نیز از زبان ساده و روان در مناجات‌های خود استفاده کرده است که نشان‌دهنده تأثیر سبک نگارش اسعد گرگانی بر او است. توصیف‌های دقیق و عمیق از خداوند و صفات او در مناجات‌های منظومه ویس و رامین به چشم می‌خورد. نظامی نیز از توصیف‌های دقیق و عمیق در مناجات‌های خود بهره برده است، مانند توصیف عظمت صنع خداوند و عجز عقل انسانی.

تأثیر منظومه ویس و رامین اسعد گرگانی بر اشعار نظامی گنجوی، به ویژه از حیث مضامین عرفانی و جنبه‌های گوناگون عرفان اسلامی، کاملاً مشهود است. نظامی همانند گرگانی به توحید، تنزیه، و یکتاپرستی خداوند پرداخته و به زیبایی از عدم توانایی انسان در درک کامل خداوند سخن گفته است. همچنین نیازمندی و توکل به خداوند در هر دو شاعر به وضوح بیان شده است.

نظامی گنجوی با الهام از این مضامین و افزودن ذوق و تبحر خود در سرودن شعر، مناجات‌های زیبایی در ابتدای منظومه‌های خود آورده که نشان‌دهنده تأثیرپذیری از اسعد گرگانی است. این تأثیرپذیری نه تنها در مضامین عرفانی، بلکه در ساختار و سبک مناجات نیز قابل مشاهده است.

#### ۴-۲ اندرز

شاید بتوان گفت در ادبیات فارسی کمتر اثری از شاعران و نویسندگان را می‌توان یافت که از نکات اخلاقی و پند و اندرزو نصایح آموزنده خالی باشد. ایرانیان از گذشته تا امروز نشان داده اند مردمانی هستند پای بند به اصول و شعائر مذهبی و معتقد به اخلاق و جایگاه والای انسانیت،

شرافت، بزرگ منشی و جوانمردی و تمام موارد ذکر شده را می‌توان در جای جای متون ادبی فارسی مشاهده کرد.

در عرفان، هدف نهایی رسیدن به شناخت و قرب به خداوند است، و پند و اندرز به عنوان ابزاری موثر در این مسیر عمل می‌کند. پند و اندرزها اغلب توسط مشایخ و اساتید عرفان به مریدان داده می‌شود تا آنها را در مسیر صحیح عرفان هدایت کنند. این هدایت می‌تواند در قالب نصایح اخلاقی، راهنمایی‌های عملی و توصیه‌های رفتاری باشد که به سالک کمک می‌کند تا از لغزش‌ها و انحرافات دوری کند و به سوی کمال روحی و معنوی حرکت کند. پند و اندرزها به تزکیه و تصفیه نفس کمک می‌کنند. عرفان تأکید بسیاری بر پالایش درونی و رهایی از صفات رذیله دارد. از طریق پندهای اخلاقی و اندرزهای معنوی، سالک به فضایل اخلاقی تشویق شده و از رذایل دور می‌شود. این فرآیند تزکیه نفس، زمینه‌ساز تقرب به خداوند و رسیدن به معرفت الهی است.

اندرزها اغلب شامل توصیه‌هایی برای تقویت ایمان و عشق به خداوند هستند. این توصیه‌ها می‌توانند سالک را به تمرین‌های عبادی، ذکر، مراقبه و تفکر درباره خداوند تشویق کنند. از طریق این تمرین‌ها، ارتباط و اتصال روحی سالک با خداوند تقویت می‌شود.

موضوعاتی چون رسیدن به آسانی و شادمانی با عبور از رنج‌ها و سختی‌ها، بی‌ارزش و ناپایدار بودن جهان بودن جهان، خوبی‌ها و بدی‌ها و نتایجی که به دنبال دارند، همچنین اهمیت دانایی، صبر و شکیبایی از موضوعات مطرح شده در قالب پند و اندرز در این داستان هستند، که به چند نمونه آن در زیر اشاره می‌شود:

زبی رنجی نیابی کامرانی

بماند نامشان جاوید بد نام

کجا گر بد کنی به آیدت پیش

(گرگانی، ۱۳۸۹: ۳۶۵ - ۳۶۹)

ز آسانی نیابی شادمان

بدان را بد بود روزی سر انجام

مکن بد در جهان و بد میندیش

و یا درباره بی ارزش بودن جهان، فخرالدین اسعد این گونه از زبان انوشیروان در قالب گفتار او بیان کرده است:

چه نیکو گفت نوشروان عادل	چوپیری زد مر او را تیر بر دل
زیبری این جهان آن کرد بامن	که نتوانست کردن هیچ دشمن
به گیتی باز کردم ای عجب پشت	شکست او پشت من آن گه مرا کشت
اگرچه ویسه از گیتی وفا دید	هم او از گردشِ گیتی جفا دید
چنان با گردشِ گیتی زبون شد	که هفت اندامش از فرمان برون شد

(همان: ۳۶۹)

هم چنین اهمیت دانایی صبر و شکیبایی نیز یکی از موضوعاتی است که در این منظومه به آن اشاره شده و شاعر در جریان داستان این گونه به آن اشاره کرده که یکی دوستان خردمند ودانای رامین، شخصی به نام به گوی از اهالی منطقه خراسان و از منجمان بزرگ آن جا بوده است. در داستان اشاره شده که او هموار به نزد رامین می آمده و پند و نصایح ارزشمندی را به او گوشزد می کرده است.

در منظومه های عاشقانه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون بخشی هایی جداگانه با عنوان حکمت، موعظه و پند و اندرز آورده است. شاید بتوان گفت در بین همه سخنان حکیمانه او در جای جای منظومه هایش، زیباترین و نغز ترین نصایح را در ابتدای منظومه عاشقانه لیلی و مجنون با عنوان در نصیحت فرزند خویش آورده است:

نشاطی پیش از این رفت آن قدم	غروری کز جوانی بود هم نیست
حدیث کودکی و خود پرستی	رها کن آن خیالی بود مستی
چو عمر از سی گذشت و یا خود از بیست	نمی شاید دگر چون غافلان زیست
نشاط عمر باشد تا چهل سال	چهل رفته فرو ریزد پر و بال
پس از پنجه نباشد تندرستی	بصر کندی پذیرد پاسستی



بسا سختی که از گیتی کشیدی	به هشتاد و نود چون در رسیدی
در آن شادی خدا را یاد داری	پس آن بهتر که خود را شاد داری
که بی گریه زمانی خوش بخندی	بیموزم تو را گر کار بندی
بخندان تنگدستی را به مالی	چو خندان گردی از فرخنده فالی
از آن خندد که خنداند جهان را	نبینی آفتاب آسمان را

(نظامی، ۱۳۸۶: ۱۴۲ - ۱۴۳)

نظامی در این قسمت فرزند خود محمد که او را قره العین خطاب کرده و احتمالاً در زمان سرودن این منظومه بنا به گفته خود نظامی، چهارده ساله بوده پندهایی ارزشمند داده است. پندهایی که اگر چه در ظاهر به یک کودک چهارده ساله گفته شده است، اما معانی و سیع و گسترده ای را خطاب به همگان و در همه زمان ها دارد. پند و اندرز در عرفان نه تنها به عنوان راهنمایی و هدایت برای سالکان عمل می‌کند، بلکه به تزکیه نفس، ایجاد بصیرت، تقویت ایمان و عشق به خداوند، تربیت روحانی و ایجاد انسجام اجتماعی و معنوی کمک می‌کند. این عناصر نشان‌دهنده ارتباط عمیق و حیاتی پند و اندرز با عرفان و مسیر عرفانی هستند.

هر دو شاعر (گرگانی و نظامی) بر ناپایداری دنیا و گذر عمر تأکید دارند. این مضمون به نوعی یادآور موقت بودن زندگی دنیا و اهمیت آماده‌سازی برای آخرت است. نظامی این مضمون را به صورت جامع‌تری بیان کرده و با توضیح مراحل مختلف زندگی، به ویژه در دوران پیری، به پند و اندرز پرداخته است. ویس و رامین نیز با اشاره به پیری و گذر عمر، تأثیرات زوال و پیری را به تصویر کشیده‌اند. هر دو شاعر به اهمیت انجام نیکی و پرهیز از بدی تأکید دارند. در ویس و رامین، این مفهوم به صورت مستقیم بیان شده است. در نظامی، این اندرز به شیوه‌ای زیباتر و با بیان اینکه خنده و شادی آفتاب (نشانه نیکی) باعث شادی دیگران می‌شود، بیان شده است. این نشان‌دهنده عمق بیشتر اندیشه‌های عرفانی در آثار نظامی است.

هر دو شاعر از مثال‌های تاریخی و اخلاقی برای بیان پند و اندرز استفاده کرده‌اند. گرگانی با استفاده از شخصیت نوشروان عادل و نظامی با توصیه‌های مستقیم و داستانی، به مخاطب خود پند می‌دهند. این روش بیان باعث ماندگاری بیشتر پند و اندرز در ذهن خواننده می‌شود.

#### ۴-۳ شکوه

شکایت و شکوه در ادبیات و عرفان دارای جایگاه و اهمیت خاصی هستند و می‌توانند به عنوان وسیله‌ای برای بیان درد و رنج‌ها، تضرع و تذکر به خداوند، و همچنین تقویت رابطه‌ی معنوی با خداوند عمل کنند. در عرفان نیز بیان درد و رنج‌ها یکی از راه‌های تقرب به خداوند و نشان دادن نیاز و وابستگی به اوست. شاعران عرفانی با شکایت از دنیای مادی و مشکلات آن، توجه خود را به سوی خداوند جلب می‌کنند و از او طلب یاری و رهایی می‌کنند. شکایت در ادبیات عرفانی معمولاً با تضرع و طلب یاری از خداوند همراه است. عرفا با بیان مشکلات و دردهای خود به خداوند، از او درخواست کمک و هدایت می‌کنند. این شکایت‌ها نشان‌دهنده عجز و ناتوانی انسان در برابر مشکلات و در عین حال، بیانگر امید و اعتماد به قدرت و رحمت الهی است. در عرفان، شکایت می‌تواند وسیله‌ای برای تذکر و خودشناسی باشد. عرفا با شکایت از وضعیت خود و دنیا، به نقایص و کمبودهای خود پی می‌برند و در صدد اصلاح و بهبود وضعیت روحی و معنوی خود برمی‌آیند. این شکایت‌ها به عنوان یک ابزار تربیتی عمل می‌کنند که سالک را به سوی کمال و تعالی هدایت می‌کنند.

شکایت و شکوه در ادبیات عرفانی به عنوان وسیله‌ای برای بیان درد و رنج‌های انسانی، تضرع و طلب یاری از خداوند، و تقویت رابطه معنوی با خداوند عمل می‌کنند. به همین ترتیب، در منظومه‌های ویس و رامین اسعد گرگانی و آثار نظامی گنجوی نیز، شکوه و شکایت‌های عرفانی نقش مهمی دارند. بررسی جنبه‌های عارفانه‌ی این اشعار می‌تواند به روشن شدن تأثیرپذیری نظامی از ویس و رامین کمک کند.

در اشعار ویس و رامین، بیان درد و رنج‌های انسانی به وضوح دیده می‌شود. شخصیت‌های این منظومه از مشکلات و ناملایمات زندگی شکایت می‌کنند و این شکایت‌ها بیانگر احساسات عمیق و تجربه‌های سختی‌های زندگی است. به عنوان مثال:

ندیدی تو مرا روز جوانی      میان کام و ناز و شادمانی

(گرگانی، ۱۳۸۹: ۴۵ - ۴۶)

همچنین:

کنون عمرم به پاییزان رسیدست      بهار نیکویی از من رمیدست

(همان)

در برخی اشعار، تضرع و طلب یاری از خداوند به چشم می‌خورد. این تضرع‌ها نشان‌دهنده‌ی وابستگی شخصیت‌ها به قدرت الهی و امید به یاری و رحمت خداوند است:

خدایا چاره بیچارگانی      مرا و جز مرا چاره تو دانی

(همان: ۱۶۷)

در اشعار نظامی نیز، بیان درد و رنج‌های انسانی و مشکلات زندگی مشاهده می‌شود. این شکایت‌ها غالباً به منظور بیان احساسات عاشقانه و ناکامی‌های عشق به کار می‌روند:

کدامین ساعت از من یاد کردی      کدامین روزم از خود شاد کردی

(نظامی، ۱۳۸۶: ۳۷۶)

نظامی نیز از تضرع و طلب یاری از خداوند برای بیان احساسات عمیق عاشقانه و نیاز به یاری

الهی استفاده می‌کند:

من آن مرغم که بر گل‌ها پریدم      هوای گرم تابستان ندیدم  
نه دستی کاین جرس برهم توان زد      نه غمخواری که با او دم توان زد

(همان: ۳۸)

نظامی در آثار خود از اسلوب و سبک شکایت و شکوه که در ویس و رامین دیده می‌شود، بهره گرفته است. این امر به وضوح در بیان درد و رنج‌های عاشقانه و همچنین در تضرع به خداوند برای یاری مشاهده می‌شود. نظامی با تأثیرپذیری از ویس و رامین، مضامین عرفانی را تقویت کرده و به شکوه‌های عرفانی خود جنبه‌های عمیق‌تری بخشیده است. او با استفاده از بیان درد و رنج‌های عاشقانه و تضرع به خداوند، تلاش می‌کند تا رابطه‌ی معنوی بین عاشق و معشوق را برجسته‌تر کند.

## ۵- نتیجه‌گیری

ادبیات عرفانی فارسی، یکی از غنی‌ترین و متنوع‌ترین ادبیات‌های جهان است که در آن مفاهیم والای عشق، سلوک، فراق و وصال، معرفت الهی، شوق و اشتیاق، استغنا و بی‌نیازی، و فنا و بقا جایگاه ویژه‌ای دارند. نظامی گنجوی به عنوان یکی از شاعران بزرگ این مکتب، با الهام از منظومه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، به تعمیق و بسط این مفاهیم در آثار خود پرداخته است. او با بهره‌گیری از عناصر و مؤلفه‌های عرفانی در ویس و رامین، به خلق آثاری پرداخته است که نمایانگر عمق تفکر و اندیشه عرفانی او است. این تأثیرپذیری نشان‌دهنده ارتباط و پیوستگی عمیق بین آثار بزرگ ادبیات فارسی و تداوم و تکامل مباحث عرفانی در طول زمان است.

منظومه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی به وضوح بر مناجات‌های نظامی گنجوی در ابتدای منظومه‌های خسرو و شیرین و لیلی و مجنون تأثیر گذاشته است. از حیث محتوا، هر دو شاعر به توحید، یکتاپرستی، تنزیه خداوند، و نیازمندی انسان به هدایت الهی پرداخته‌اند. از حیث اسلوب، نظامی از ساختار مناجات‌های گرگانی، استفاده از قافیه و ردیف، زبان ساده و روان، و توصیف‌های دقیق و عمیق تأثیر پذیرفته است. تأثیرپذیری نظامی از ویس و رامین در مضامین و اسلوب پند و اندرز عارفانه نیز کاملاً مشهود است. نظامی با الهام از مضامین اصلی ویس و رامین مانند ناپایداری دنیا، گذر عمر، پرهیز از بدی و انجام نیکی، و یاد خدا و نیکی، به این مفاهیم عمق بیشتری بخشیده و آن‌ها را با اسلوب خاص خود تقویت کرده است. استفاده از مثال‌های تاریخی و

اخلاقی نیز نشان‌دهنده تأثیرپذیری نظامی از اسلوب گرگانی در بیان پند و اندرز است. به این ترتیب، می‌توان گفت که ویس و رامین به عنوان منبعی الهام‌بخش برای نظامی در تقویت مضامین عرفانی و پند و اندرز در آثارش عمل کرده است.

شکایت و شکوه در ادبیات عرفانی به عنوان وسیله‌ای برای بیان درد و رنج‌های انسانی، تضرع و طلب یاری از خداوند، و تقویت رابطه معنوی با خداوند عمل می‌کند. هر دو شاعر، اسعد گرگانی و نظامی گنجوی، از این تکنیک‌ها بهره گرفته‌اند. نظامی با تأثیرپذیری از ویس و رامین، توانسته است مضامین عرفانی را در آثار خود تقویت کرده و با استفاده از اسلوب شکایت و شکوه، به بیان عمیق‌تر احساسات عاشقانه و تضرع به خداوند بپردازد.

### فهرست منابع

۱. بابا صفری، علی اصغر. (۱۳۹۲). فرهنگ داستان‌های عاشقانه ادب فارسی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. ثروت، منصور. (۱۳۷۰). گنجینه حکمت در آثار نظامی. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
۳. اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۳). از رودکی تا بهار (جلد دوم). چاپ اول. تهران: نغمه زندگی.
۴. خان محمدی، محمدحسین. (۱۳۹۴). چشم‌اندازی بر ادبیات غنایی ایران. چاپ اول. قم: مهر امیرالمؤمنین.
۵. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۴). با کاروان حله. چاپ نهم. تهران: علمی.
۶. سجادی، سیدجعفر. (۱۳۷۵). فرهنگ اصطلاحات و تعابیر عرفانی. چاپ سوم. تهران: طهوری.
۷. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۹). آشنایی با عروض و قافیه. چاپ شانزدهم. تهران: فردوس.
۸. شمیسا، سیروس. (۱۳۹۴). انواع ادبی. چاپ چهارم. تهران: میترا.

۹. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۴). تاریخ ادبیات ایران (جلد اول). چاپ چهاردهم. تهران: ققنوس.
۱۰. کریتیس، وستا سرخوش. (۱۳۹۷). اسطوره‌های ایرانی (ترجمه عباس مخبر). چاپ دوازدهم. تهران: مرکز.
۱۱. گرگانی، فخرالدین اسعد. (۱۳۸۹). ویس و رامین (با تصحیح و تشحیه محمد روشن). چاپ چهارم. تهران: صدای معاصر.
۱۲. نظامی گنجوی، جمال‌الدین ابو محمد الیاس بن یوسف. (۱۳۸۴). هفت پیکر (تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی). چاپ اول. تهران: زوار.
۱۳. نظامی گنجوی، جمال‌الدین ابو محمد الیاس بن یوسف. (۱۳۸۶). خسرو و شیرین (تصحیح و شرح بهروز ثروتیان). چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
۱۴. نظامی گنجوی، جمال‌الدین ابو محمد الیاس بن یوسف. (۱۳۹۱). لیلی و مجنون (تصحیح و شرح بهروز ثروتیان). چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
۱۵. یوسفی، غلامحسین. (۱۳۸۳). چشمه روشن. چاپ دهم. تهران: علمی.
۱۶. زمانی، کریم. (۱۳۷۲). شرح جامع مثنوی معنوی (جلد ۱). چاپ اول. تهران: اطلاعات.

## **Investigating the military effectiveness of the mystical sparks of Weiss and Ramin's system**

### **Abstract**

Persian literature is one of the richest and most diverse literatures in the world, where mysticism and love have a special place. Over time, this literature has achieved its mystical crystallization and great poets such as Nizami Ganjavi and Fakhruddin Asad Gorgani have deepened and broadened these topics. This article will investigate the sparks of Islamic mysticism in Nizami's poems and poems by Weiss and Ramin Gorgani, using the descriptive-analytical method, and will examine the effectiveness of Nizami's classic work in mystical topics. In this way, the aim of the research is to investigate the military effectiveness of the mystical themes and components of Weiss and Ramin's system. From the results of the research, it can be pointed out that Weiss and Ramin's poem, as one of the outstanding literary and historical works of Iran, has many elements of love, mysticism and mythology, which has had a significant impact on Iranian literature and culture. Nizami, by using mystical elements and components in Weiss and Ramin, has created works that represent the depth of his mystical thought. This influence shows the deep connection and continuity between the great works of Persian literature and the continuity and evolution of mystical topics over time.

**Key words:** mysticism, influence, military, Weiss and Ramin.